

ناگفته هایی از مناقشه قره باغ ...

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
سرنوشت قره باغ ، مواضع باکو و نقش دولت ایران
 * عارف محمدزاده

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

در آخرین روزهای اسفند ۱۳۷۲ (۱۷ مارس ۱۹۹۴) یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ ایران که از مسکو عازم ایران و حامل جمعی از نظامیان و دانشجویان ایرانی بود بر فراز ارمنستان مورد هدف موشک قرار گرفت . در این ماجرا ۹ تن از افسران فداکار و شجاع ایرانی از جمله سرهنگ آقا بیگلر فرمانده هواپیما و از بهترین معلم خلبانهای نیروی هوایی به همراه دیگر سرنشینان از جمله مجید میرزایی افسر باتجربه مهندس پرواز به شهادت رسیدند . با این ماجرا ایران تاوان تلاش برای صلح و جلوگیری از تجاوز به مسلمانان را میپرداخت . روسیه با این اقدام پیامی خشن به ایرانی ها ارسال کرد که در مناقشه قره باغ دخالت نکند . مقامات ارمنستان اظهار داشتند که هواپیمای ایرانی به اشتباه توسط پدافند هوایی و با تصور اینکه هواپیمای دشمن است مورد هدف موشک قرار گرفته است ! اما در همین حال رییس دولت باکو یعنی ابوالفضل ایلچی بیگ نیز که اسیر خیالات پان ترکستی و ایجاد توران بزرگ و آذربایجان بزرگ بود در حالی که هر روز بخشی از جمهوری آذربایجان را به نیروهای ارمنی و روسی واگذار میکرد حتی در مصاحبه های مطبوعاتی از تجزیه ایران سخن میگفت و برای تجزیه ایران از امریکا طلب کمک میکرد. تلویزیون باکو با نشان دادن جعبه خرماهای ایرانی در سنگهای ارامنه اعلام میکرد که ایران از ارمنستان حمایت میکند! امضای توافق آتش بس توسط حیدر علی اف با ارمنستان و سیاستهای بعدی وی در کشاندن پای امریکا ، انگلیس ، رژیم صهیونیستی و برخی دولتهای دیگر به جمهوری آذربایجان و بخصوص امضای قرارداد نفتی موسوم به قرارداد قرن توسط وی در لندن ، موجب فروکش کردن آتش مناقشه در سال 1994 شد. حیدر علی اف بعد از امضای توافق آتش بس با ارمنستان ، به تحکیم پایه های حکومت خود پرداخت . وی در نخستین گام ، به قلع و قمع مخالفان داخلی دست زد . کسانی مانند ماهر جواداف (از مخالفان آتش بس با ارمنستان و فرمانده رزمندگان داوطلب قره باغ) توسط وی در یک درگیری کشته شدند. عافی الدین جلیل اف نیز به طرز مرموزی کشته شد. صورت حسین اف دستگیر و زندانی شد . ایلچی بیگ در نخجوان در حصر خانگی و خبری قرار گرفت و باران نزدیک وی که از کشورهای مختلف به دور او جمع شده بودند ، دستگیر زندانی و یا به کشورهای مختلف رانده شدند. وی بعد از سرکوب پانترکیستهای غربگرا ، به قلع و قمع اسلامگرایان پرداخت. علی اکرام علی اف رهبر حزب اسلام و از چهره های برجسته اسلامگرایان را دستگیر و به 11 سال زندان محکوم کرد. کربلایی آقا از چهره های فعال حزب اسلام در زیر شکنجه ماموران امنیتی به شهادت رسید. اموال و ساختمانهای متعلق به حزب اسلام اشغال و مصادره شد. اعضای حزب اسلام در تمام شهرها تحت تعقیب قرار گرفتند... حیدر علی اف در گامهای دیگر ، رزمندگان ایرانی و افغانی را که در جبهه قره باغ میجنگیدند تحت تعقیب قرار داد و مجاهدان افغانی را که شهدایی نیز در جنگ تقدیم کرده بودند اخراج کرد. با اشاره حیدر علی اف کتابی با عنوان " جنگ بیصدا " منتشر و در سطح وسیعی توزیع شد . در این کتاب تصاویر تعدادی از رزمندگان ایرانی با مطالبی درج شده بود و رزمندگان ایرانی " جاسوس " خطاب شده بودند . علیاف اختیارات بیحد و حصر به پلیس و نیروهای امنیتی داد و فضایی از رعب و وحشت به وجود آورد . از طرفی نیز با قلع و قمع عناصر جبهه خلق آرامش و امنیت برقرار کرد و بدین ترتیب کشور به طور در بست در اختیار تیم علی اف قرار گرفت . مساله قره باغ از اولویت خارج شد و پایه های حکومت علی اف تثبیت گردید. علی اف در گامهای بعدی مذاکرات فشرده با رییس جمهور ارمنستان را در دستور کار قرار داد و

بارها با کوچاریان (رییس جمهور ارمنستان و تبعه سابق دولت باکو !) دیدار و گفتگو کرد.

قره باغ ، منطقه ای کوهستانی و سرسبز یکی از ولایتهای 17 گانه ایران است که طی تهاجم روسیه به ایران و جنگهای دراز مدت که از سال 1803 تا 1828 به طول انجامید ، با انعقاد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای از ایران جدا و تحت اشغال روسیه قرار گرفت . این منطقه یکی از پایگاههای شعر و ادب فارسی ، آذربایجانی و ارمنی طی سده های اخیر بوده است.

از سال 1828 تا سقوط نظام سلطنتی در روسیه 1917 اراضی اشغال شده قفقازی ایران ، بر مبنای تقسیم بندی جغرافیایی ولایتی ایران ، یعنی ولایتهای مختلف (ولایت گنجه ، ولایت ایروان ، ولایت قره باغ ، ولایت نخجوان و...) شناخته میشد و همه این ولایتها تحت فرمان « فرمانداری کل قفقاز » که از سوی امپراتور روسیه منصوب میگردد ، اداره میشد . در سال 1917 با سقوط امپراتوری روسیه و گسترش جنگ جهانی ، شیرازه امور روسیه سست شد و مناطقی که به زور جنگ و تجاوز به روسیه الحاق یافته بودند ، فرصت یافتند تا خود را از زیر یوغ استعمار روسی خلاص کنند. همچنین در این زمان ، امپراتوری عثمانی نیز که بر اثر بی لیاقتی گردانندگان و نفوذ یهودیها و اروپایی ها به زوال و سقوط نزدیک میشد و بر اثر جنگ ، بخشهای اروپایی سرزمین عثمانی را از دست داده بود ، در پی جبران سرزمینهای از دست رفته با اشغال اراضی قفقازی ایران بود. در این موقعیت بود که در سال 1918 سه کشور به نامهای گرجستان ، ارمنستان ، و جمهوری آذربایجان اعلام استقلال کردند . اعلام استقلال گرجستان و ارمنستان مورد حمایت اروپا ، و اعلام استقلال جمهوری آذربایجان با حمایت عثمانی صورت پذیرفت . نیروهای نظامی وارد سرزمینهای قفقازی ایران شده و دولتی به سرپرستی پان ترکیست معروف محمد امین رسولزاده تشکیل دادند. رسولزاده که مدت طولانی در ایران اقامت داشت و مطالب خود را به زبان فارسی مینوشت ، در ایران یکی از پان ایرانیستهای شناخته شده بود که بعد از خروج از ایران و اقامت در استانبول به حلقه های فرقه پان ترکیست راه یافت و جزو اینها شد و در تشکیل دولت مورد حمایت عثمانی در قفقاز نقش ایفا کرد. در سال 1818 وقتی برای اولین بار در تاریخ منطقه ، تشکیل کشوری به نام جعلی جمهوری آذربایجان اعلام شد این نامگذاری مورد اعتراض اهالی ایران بخصوص بزرگانی مانند شیخ محمد خیابانی ، ملک الشعرا بهار و ... قرار گرفت . نویسندگان ایرانی با انتشار مقالات زیادی با استناد به تاریخ این نامگذاری را که از سوی حلقه های فرقه پان ترکیسم عثمانی صورت گرفته بود ، جعلی ارزیابی کرده و اصرار داشتند که جمهوری جدید به نام تاریخی یعنی اران نامگذاری شود . در هر حال عمر این کشورهای تازه تاسیس به دو سال نرسید و دولت روسیه با پایان جنگ جانی با همراهی و همراهی کمونیستهای باکو ، تفلیس و ایروان دولتهای جدید را ساقط کرد و در باکو نریمان نریمان اف که با همکاری وی حکومت تازه تاسیس سقوط کرده بود به عنوان حاکم به فرمانروایی پرداخت.

اگر چه تاسیس حکومتی سه گانه کوچک در قفقاز جنوبی دستاوردی برای مردم منطقه همراه نداشت ، اما بعد از تغییر نام و شیوه حکومت در روسیه به « اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی » و تقسیم سراسر کشور پهناور شوروی به جمهوریهای داخلی و فاقد استقلال ، در مرزبندیهای یاد شده سه جمهوری داخلی با نامهای ارمنستان و گرجستان و جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی ایجاد شدند.

جمهوریهای سه گانه سوسیالیستی در قفقاز جنوبی (ارمنی – آذری – گرجی) همواره « ملتهای برادر » (قارداش ملت لر) خوانده میشدند و شاعر معروف ضد

دینی آذری « صمد وورغون » شعرهایی درباره برادری ارامنه ، آذربها و گرجیها سروده است.

از همان ابتدای تشکیل اتحاد جماهیر شوروی ، قره باغ به دلایل متعدد از جمله ارمنی بودن اهالی آن جزو ارمنستان محسوب شد ، اما با گذشت چندین سال ، به دستور استالین این منطقه به جمهوری آذربایجان پیوست و از همان زمان ، مناقشه قره باغ به صورت خاموش بین سران ارامنه و آذری در قفقاز ادامه یافت . در دوره استالین هیچکس جرات

چون و چرا در این باره نداشت و آرامش حکمفرما بود اما بعد از مرگ استالین ، کشمکشها اندک اندک شروع شد . در این ماجرا طبیعی است که دیگر آذربایجان نقش نداشتند زیرا تداوم وضعیت موجود در تقسیم بندی توسط دولت شوروی صورت گرفته بود ، در مقابل آن نیز مسوولیتی نداشتند اما ارامنه افراطی در دوره گورباچف که شیرازه حکومت سست شده بود به حرکت پرداختند. و به جای احاله موضوع به دولت مرکزی راسا وارد عمل شده و کم کم موضوع را به مساله ارمنی – آذری مبدل کردند. شایان ذکر است که قبل از گورباچف ، فرقه های افراطی مانند دانشناکسیون و پان ترکیسم در میان ارامنه و آذربایجان قفقاز فعالیت و تاثیر گذاری نداشتند چرا که دولت شوروی به شدت با این جریانها برخورد میکرد . اما در دوره گورباچف با حمایت خارجی ها فعال شده و مناقشه قره باغ شعله ورتر شد. ارامنه افراطی در دوره گورباچف به اقدامات خشن و مسلحانه در قره باغ دست زدند. در این زمان گردانندگان ارمنستان و مسکو شایع میکردند که ایران با دادن سلاح به مسلمانان آذری از آنها حمایت میکند. در مقابل تحركات ارامنه ، مقامات وقت باکو نیز بسیار ضعف نشان داده و عملا خود را از قره باغ کنار کشیده و اداره آن را به « شورای عمومی قره باغ » که متشکل از مقامات ارمنی قره باغ بود واگذار کردند و عملا قره باغ پیش از سقوط و تجزیه شوروی ، تجزیه شد... با روی کار آمدن عناصر فرقه پان ترکیسم در باکو به ریاست ایلیچی بیگ ، دولت باکو شروع به دادن شعارهای تند کرد. ایلیچی بیگ اعلام کرد که توران بزرگ از ترکیه تا چین تشکیل خواهد شد . ایران نیز تجزیه شده و آذربایجان بزرگ به زودی تشکیل خواهد شد. ایلیچی بیگ با عجله روابط باکو با رژیم صهیونیستی رابرقار و اعلام کرد که با حمایت لابی جهانی یهودیان و دولت صهیونیستی به زودی ایران را تصرف خواهد کرد (ایلیچی بیگ ارمنستان را آذربایجان غربی مینامید) اما اقدامات ایلیچی بیگ نه تنها ورق استقلال قره باغ را برنگرداند بلکه کاملا به ضرر مردم شیعه جمهوری آذربایجان و به نفع روند جدایی قره باغ تمام شد. ایلیچی بیگ در اقدامی نسنجیده و با توصیه غربیها و ترکها بر اخراج نیروهای روسی مستقر در گنجه و مرزهای این جمهوری اصرار ورزید و خواهش های مقامات مسکو بر خروج تدریجی آنها را نپذیرفت . همین نیروها نیز با خروج از پایگاه گنجه در ارمنستان مستقر شده و علاوه بر قره باغ مناطق دیگری را اشغال کردند که همچنان در اشغال میباشد. در این زمان جنگ داخلی نیز در گنجه و باکو آغاز شده بود و نیروهایی به فرماندهی سرهنگ صورت حسین اف از گنجه به باکو رسیده بودند تا ایلیچی بیگ را ساقط کنند . ایلیچی بیگ در سال 1993 به صورت مرموز حیدر علی اف را که در نخجوان بود به باکو دعوت و حکومت را به وی واگذار کرد و از صحنه سیاسی محو و به روستایی در نخجوان رفت ... در دوره حیدر علی اف نیز مناطق دیگری از دست رفت . علی اف در سال 1994 توافق آتش بس با ارمنستان را امضا کرد و این توافق طی 16 سال برقرار بوده است . در این ۱۷سال حیدر علی اف و فرزندش الهام در سطح عالی مذاکره با مقامات ارمنی را پی گرفته اند. مقامات باکو از جمله سفیر باکو در روسیه همراه با عده ای از سیاستمداران و هنرمندان به ایروان و قره باغ سفر و با رییس جمهور خودخوانده قره باغ نیز ملاقات کرد . در مقابل سفیر ایروان در مسکو نیز به همراه عده ای به باکو سفر و با الهام علی اف ملاقات کرد. سران باکو و ایروان اینگونه سفرها را استفاده از دیپلماسی مردمی برای حل مناقشه عنوان کردند. با این حال شگفت است که مقامات باکو از دیدارهای مقامات ارمنستان با مقامات ایران و ترکیه اظهار نارضایتی میکنند!

قره باغ متعلق به کیست ؟

قره باغ سرزمینی متعلق به ایران بوده و با عهدنامه های ننگین گلستان و ترکمانچای به اشغال روسیه در آمد. امروز مقامات باکو قره باغ را بخشی از خاک خود معرفی میکنند . دولت خودخوانده قره باغ ، تاسیس کشوری با نام جمهوری قره باغ را اعلام کرده اما این کشور از سوی هیچ کشور حتی ارمنستان نیز به رسمیت شناخته نشده است . با این حال دولت خودخوانده قره باغ دفترهای نمایندگی خود را در کشورهای بزرگ غرب مانند آمریکا ، انگلیس ، فرانسه ، و نیز روسیه دایر کرده و به اقداماتی شبیه اقدامات دولتهای مستقل مانند صدور ویزا ، جذب سرمایه گذاری ، روابط سیاسی خاص و ... دست میزند. ارمنستان ، به صورت رسمی نه قره باغ را جزو ارمنستان اعلام کرده و نه استقلال آن رابه رسمیت شناخته است. با این حال آن را متعلق به ارامنه دانسته و همواره به عنوان حامی اصلی قره باغ شناخته میشود.

کشورهایی مانند روسیه ، آمریکا ، فرانسه ، انگلیس و بسیاری دیگر از کشورهای غربی ضمن اینکه روابط گسترده یا با ایروان و باکو دارند ، در سخنان و بیانیه های دیپلماتیک از تمامیت ارضی ارمنستان و جمهوری آذربایجان حمایت میکنند. مخالف آغاز هر گونه جنگ هستند و بر مذاکرات سیاسی بین ایروان - باکو و قره باغ تاکید میکنند. « گروه مینسک » که پرونده قره باغ را در دست دارد ، روند فعالیتهای عملا در راستای استقلال قره باغ است . این گروه بر تعیین سرنوشت قره باغ از طریق برگزاری فرآیند تاکید میکند. مقامات دولت خودخوانده قره باغ میگویند بر اساس آنچه درمورد کوزوو عمل شده ، غرب و ناتو بایستی از استقلال قره باغ حمایت کند.

موضع ایران :

ایران در ابتدای جنگ قره باغ و گسترش تهاجمات ارامنه از قره باغ به سوی مناطق مسلمان نشین ، و حتی نزدیکی مرزهای ایران ، به کمک مردم ستمدیده و آوارگان جنگی مسلمان شتافت . دهها از رزمندگان ایرانی و نیز گردانهایی از مجاهدان افغانی از ایران وارد شمال ارس شده و به مقابله با مهاجمان ارمنی و روسی پرداختند . رزمندگان ایرانی آموزشگاه نظامی دایر کرده و به آموزش نیرو پرداختند. در این هنگام که آیت الله هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری ایران را بر عهده داشت ، دهها میلیون دلار کمک در قالب موادغذایی ، مواد سوختی ، دایر کردن اردوگاه برای آوارگان ، و حتی تجهیزات ضروری به مسلمان مورد هجوم قرار گرفته ارسال گردید . علاوه بر این کمکهای بشر دوستانه دولت ایران تلاش کرد دو طرف را در تهران به آتش بس وادارد اما این آتش بس با دخالت خارجیها و بخصوص روسها و دولت وقت ترکیه که نمیخواستند ایران نقش آفرین صلح باشد تحقق نیافت . علاوه بر کمکهای یاد شده ، مرزهای ایران به روی نیروهای دولت باکو باز بود . این نیروها که اغلب از جبهه جنگ عقب نشینی میکردند در حین عقب نشینی وارد خاک ایران میشدند و پناه میگرفتند و دوباره از خاک ایران به مقرهای خود باز میگشتند. در آخرین روزهای اسفند ۱۳۷۲ (۱۷ مارس ۱۹۹۴) یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ ایران که از مسکو عازم ایران و حامل جمعی از نظامیان و دانشجویان ایرانی بود بر فراز ارمنستان مورد هدف موشک قرار گرفت . در این ماجرا ۹ تن از افسران فداکار و شجاع ایرانی از جمله سرهنگ آقا بیگلر فرمانده هواپیما و از بهترین معلم خلبانهای نیروی هوایی ایران به همراه دیگر سرنشینان از جمله مجید میرزایی افسر باتجربه مهندس پرواز به شهادت رسیدند . با این ماجرا ایران تاوان تلاش برای صلح و جلوگیری از تجاوز به مسلمانان را میبپرداخت. روسیه با این اقدام پیامی خشن به ایران ارسال کرد که در مناقشه قره باغ دخالت نکند .مقامات ارمنستان اظهار داشتند که هواپیمای ایرانی به اشتباه توسط پدافند هوایی و با تصور اینکه هواپیمای دشمن است مورد هدف موشک قرار گرفته است ! اما در همین حال رییس دولت باکو یعنی ابوالفضل ایلیچی بیگ نیز که اسیر خیالات پان ترکیستی و ایجاد توران بزرگ و آذربایجان بزرگ بود در حالی که هر روز بخشی از جمهوری آذربایجان را به نیروهای ارمنی و روسی واگذار میکرد حتی در مصاحبه های مطبوعاتی از تجزیه ایران سخن میگفت و برای تجزیه ایران از آمریکا طلب کمک میکرد.تلویزیون باکو با نشان دادن جعبه خرماهای ایرانی در سنگرهای ارامنه اعلام میکرد که ایران از ارمنستان حمایت میکند!

ایران نیز مانند دیگر کشورها همواره از تمامیت ارضی دو کشور همسایه حمایت کرده است . این سیاست در دوره آقای خاتمی به نفع باکو تغییر یافت . خاتمی در سفر به باکو اعلام کرد که قره باغ جزو خاک آذربایجان است . این اعلام موضع موجب کدورت در روابط تهران – ایروان شد و البته پاسخی مناسب نیز از سوی مقامات باکو که به شدت تحت تاثیر دشمنان ایران بخصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند نیافت . موضع گیری خاتمی علیه ارمنستان در داخل نیز مورد انتقاد واقع شد . با این حال پس از خاتمی سیاست رسمی ایران همواره حمایت از تمامیت ارضی دو کشور همسایه بوده است . این سیاست اگر چه در ظاهر متناقض به نظر میرسد اما سیاستی بر مبنای واقعیتها است ، چرا

که هنوز تمامیت ارضی دو کشور همسایه دقیقاً مشخص نشده است و زمانی که هر دو کشور بر مرزهای مورد تفاهم توافق کردند، در آن زمان نیز همین سیاست حمایت از تمامیت ارضی دو طرف کاربرد دارد.

قره باغ و حرکت به سوی استقلال :

واقعیت این است که قره باغ به تدریج و به صورت آرام به سوی استقلال در حرکت است. ضامن اصلی این روند نیز شوریهایی مانند روسیه، آمریکا، انگلستان، فرانسه که روابط بسیار گسترده ای با هر دو طرف (ایروان و باکو) دارند. ایروان سیاست زیرکانه ای در پیش گرفته و از استقلال قره باغ به صورت رسمی حمایت نکرده است. در حقیقت ایروان میخواهد بعد از شوریهایی مانند آمریکا و روسیه استقلال قره باغ را به رسمیت بشناسد و با انجام اقدامات پیش دستانه موجب اتفاقات ناخواسته و یا ناراضیتهای کشورهای دیگر و واکنش منفی آنها نشود. شوریهایی مانند روسیه و آمریکا و شوریهایی اروپایی و نیز رژیم صهیونیستی خواهان تداوم وضعیت موجود قره باغ هستند. زیرا تداوم وضعیت موجود به نفع همه این کشورهاست. هم از لحاظ اقتصادی و سیاسی و هم منافع دراز مدت. ایروان و باکو طی سالهای اخیر دهها صدها میلیون دلار صرف خرید تسلیحات از کشورهای خارجی روسیه، آمریکا، رژیم صهیونیستی و... کرده اند. ارمنستان به علت مناقشه قره باغ به استقرار پایگاههای روسیه در خاک خود گردن نهاده است و عملاً تحت تأثیر شدید مسکو قرار دارد. مناقشه قره باغ کارتی است که کشورهای خارجی با آن با ایروان، باکو و حتی کشورهای دیگر بازی میکنند و منافع خود را پیش میبرند. وجود مناقشه قره باغ باعث شده که کشورهای دخالتهای خارجی، با تمسک به بهانه هایی مانند حفاظت از صلح و امنیت نفوذ سیاسی و امنیتی و نظامی خود را در منطقه گسترش دهند. چنین به نظر میرسد که حتی ایروان و باکو نیز از حل زود هنگام مساله قره باغ به نفع یکی از طرفین ناامید شده اند اگر چه وضعیت موجود ظاهراً به نفع ارمنستان و نیز استقلال قره باغ ارزیابی میشود. شکی نیست که تداوم وضعیت موجود میتواند به استقلال قره باغ - نه در آینده نزدیک - منجر شود. زیرا بازیگران مناقشه قره باغ تمایلی به حل مناقشه ندارند و وضعیت موجود مناقشه تاملین کننده منافع آنهاست.

دولت باکو و تهدیدهای مداوم به چنگ :

حدود 8 سال است که دولت باکو به طور مداوم تهدید میکند که در صورت بی نتیجه بودن مذاکرات سیاسی از طریق جنگ سرزمینهای اشغالی و نیز قره باغ را آزاد خواهد کرد. اما آگاهان سیاسی میدانند که دولت باکو چندان در پیخ و خم روابط با شوریهایی نظیر آمریکا، روسیه، انگلستان و رژیم صهیونیستی گرفتار شده که چنین تحرکی از این دولت یعنی آغاز به جنگ تأثیر گذار چیزی شبیه معجزه است! دولت باکو چگونه میتواند تهاجم به قره باغ را آغاز کند در حالی که همواره در حال ایجاد موازنه مثبت بین روسیه و آمریکا و انگلیس و کشورهای متعدد است و همواره تلاش میکند خاطر این کشورها را نرنجانند؟! علاوه بر مسایل خارجی، سیاست داخلی دولت باکو نیز به نحو بیست که با اقدام به جنگ مناسبت ندارد. دولت باکو با انجام اقداماتی نظیر تخریب و تعطیل مساجد، مبارزه با جریان اسلامگرا و انگیزه دار برای جنگ، غرق شدن مقامات در فساد و رفاه و رشوه و چنگ اندازی به اموال عمومی، سرکوب و محدود ساختن آزادیهای ابتدایی، گسترش روابط با رژیم جعلی و اشغالگر صهیونیستی، اعزام نیرو به عراق و افغانستان برای مبارزه با مسلمانان و... فضایی به وجود آورده است که در این فضا، مشروعیت حکومت از دست رفته است و چنین حکومتی نمیتواند جنگ و تبعات آن را تحمل کند. از سوی دیگر مناقشه قره باغ همواره با سقوط دولتها در ایروان و باکو قرین بوده. این مناقشه موجب سقوط پتروسیان در ایروان شد. ایاز مطلب و ایچی بیگ نیز در باکو به خاطر این مناقشه سقوط کردند. هر گونه سیاست اشتباه باکو میتواند به عمر سلسله علی اف ها در این کشور پایان دهد. بخصوص اینکه محافل پان ترکیستی غربگرا در باکو آشکارا برای سقوط علی اف تلاش میکنند و مترصد فرصتی برای سرنگونی وی هستند.

انتخابات در قره باغ :

دولت خودخوانده قره باغ طی سالهای اخیر انتخاباتهای متعددی را در این منطقه برگزار کرده است و در هر انتخابات نیز ناظرانی از کشورهای مختلف در این منطقه حضور می یابند. در انتخابات اخیر قره باغ نیز ناظرانی از دهها کشور شرکت داشتند. ناظرانی از آمریکا، روسیه، فرانسه، کشورهای اروپایی و... در این انتخابات حضور یافته و بر اجرای انتخابات نظارت کردند. گفته میشود از تشکلهای غیر دولتی ایران نیز افرادی به عنوان ناظر در انتخابات قره باغ حضور یافته اند. دولت باکو از حضور ناظران در انتخابات قره باغ نگران نشان داده و اعلام کرده است که اسامی ناظران را تهیه کرده و به این افراد از این پس ویزا برای سفر به جمهوری آذربایجان نخواهد داد! البته دولت باکو برای ایرانیان - بخصوص آذری های ایرانی - نیز که در گذرنامه خود ویزای ارمنستان داشته باشند، نیز ویزای باکو صادر نمیکند! در این مورد نیز سیاستهای مبهم و بی اساس باکو قابل تامل است. در حالی که دولت باکو دولت ارمنستان را به رسمیت میشناسد و الهام علی اف از هر چند ماه ملاقاتی با رییس جمهور ارمنستان انجام میدهد و در حالی که حتی مقامات باکو و خبرنگاران به ایروان مسافرت میکنند، دولت باکو از سفر اتباع سایر کشورها به ارمنستان یا قره باغ خود را ناراحت نشان داده و میگوید که « نباید اتباع خارجی به ارمنستان سفر کنند و برای سفر به قره باغ نیز بایستی از سفارتخانه های دولت باکو ویزا دریافت کنند !!!» و لابد این ویزا را هنگام ورود به قره باغ به ماموران دولت قره باغ ارایه دهند !!! گفته میشود اینگونه اقدامات مسخره آمیز و بی اساس باکو به عنوان لطیفه در نشستهای شورای اروپا نقل میشود. دولت باکو عضو شورای اروپا است و شرایط این شورا را برای رعایت آزادیهای فردی مطابق استانداردهای اروپایی و از جمله آزادی همجنس بازی را نیز پذیرفته است. اما سیاست دولت باکو از لحاظ قومی نیز درباره قره باغ اشتباه است. دولت کوچک باکو، به شهادت کتابهای درسی و نقشه های منتشر شده توسط مراکز دولتی و بیانات مقامات از جمله الهام علی اف که خود را رییس جمهور « آذربایجانی های جهان ! » میداند، مناطق آذری نشین در ایران و گرجستان را بخشی از قلمرو خود محسوب میکند. اگر چه در داخل قلمرو تحت تسلط دولت باکو مناطق گسترده ای تالش نشین، لژک نشین و... وجود دارد. از سوی دیگر دولت باکو بعد از تشکیل و طی عمر 18 خود همواره با خشن ترین عبارات علیه قوم ارمنی تبلیغ کرده و آنها را نسل کش و جنایتکار و تبهکار و... معرفی نموده است، با این وضعیت بایستی و بر اساس رویکردهای دولت باکو، اهالی قره باغ بایستی حق داشته باشند که اولاً به دلیل ارمنی بودن حساب خود را از دولت باکو جدا کنند، ثانیاً اهالی قره باغ که همه ارمنی و طبق معرفی دولت باکو افرادی جنایتکار و نسل کش و تبهکار هستند، چگونه میتوانند در قلمرو تحت حاکمیت دولت باکو زندگی کنند؟

در هر حال برخی کارشناسان سیاسی عقیده دارند که دولت باکو نیز مانند برخی کشورهای ذینفع در مناقشه قره باغ، با این مناقشه در راستای تحکیم قدرت حکومت در داخل بازی میکند و به همین خاطر از روند موجود یعنی « وضعیت اجماعی مناقشه قره باغ » (نه مرده، نه زنده) رضایت دارد. اخیراً در مطبوعات ایران نیز اخباری حاکی از علاقه وزارت امور خارجه ایران برای میانجیگری در مناقشه قره باغ دیده شده که به نظر میرسد حاکی از عدم دقت عمیق، مقامات وزارت خارجه ایران در وضعیت مناقشه میباشد. به روشنی باید گفت، وقتی طرفین درگیر در مناقشه عملاً به دنبال حل آن نیستند و نیز کشورهای مورد علاقه دو طرف (آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس) نیز خواهان تداوم وضعیت موجود یعنی وضعیت کمای مناقشه هستند، میانجیگری ایران چه ثمراتی میتواند داشته باشد؟ ایرانی ها نیز باید این واقعیت را قبول کنند که مناقشه قره باغ یک « مناقشه در اغما » میباشد و دیگر قابلیت میانجیگری ندارد و گسترش روابط ایران با ایروان یا باکو لزوماً نمیتواند با مناقشه قره باغ در ارتباط باشد. بله، دولت باکو مدام تبلیغات میکند که ایران با ارمنستان اشغالگر ارتباط دارد. این روابط همسایگی بایستی گسترده تر نیز باشد. آنچه دولت باکوم مطرح میکند بحث این است که ارمنستان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان را اشغال کرده است و مانند اسرائیل است :
- اسرائیل یک کشور جعلی است که موجودیت آن بر اساس اشغالگری بنا شده است. ایران اسرائیل را به عنوان کشور به رسمیت نمیشناسد.
- ارمنستان یک کشور رسمی است که از سوی ایران، دولت باکو و همه دولتهای جهان به رسمیت شناخته شده است. سران باکو همواره با سران ایروان در حال رایزنی و دیدار و جام بر جام زدن هستند !

- دولت باکو با اسرائیل روابط گسترده‌ای دارد و بخش اعظم نیاز رژیم صهیونیستی به نفت را تامین میکند. اگر واقعا دولت باکو، اسرائیل را کشوری مانند ارمنستان میدانند، چرا گسترده‌ترین روابط را با رژیم صهیونیستی دارد؟
- در منطق اخلاقی و دیپلماسی جهان و نیز قوانین بین الملل، قطع روابط با کشوری که بخشی از خاک کشور دیگر را اشغال کرده یا به دلیل مناقشه تصرف کرده قابل قبول نیست و دولت باکو نیز در روابط با کشورهای دیگر از این منطق پیروی نمیکند. دولت ترکیه سالهاست که بخشی از قبرس را اشغال کرده و هزاران نیرو در آنجا پیاده کرده، امریکا و انگلستان، افغانستان و عراق را اشغال کرده‌اند و دولت باکو با همه این کشورها روابط گسترده دارد.
- دولت باکو نقش بزرگی در اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا ایفا کرده و هم اکنون نیز نیروهای دولت باکو در افغانستان هستند. باکو هنگام تهاجم امریکا به افغانستان و عراق زمین و آسمان کشور را در اختیار نیروهای مهاجم قرار داد. تعدادی از نیروهای اعزامی باکو به عراق نیز در درگیریها کشته شدند.

نقش حیدر علی اف در مناقشه قره باغ:

امضای توافق آتش بس توسط حیدر علی اف با ارمنستان و سیاستهای بعدی وی در کشاندن پای امریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و برخی دولتهای دیگر به جمهوری آذربایجان و بخصوص امضای قرارداد نفتی موسوم به قرارداد قرن توسط وی در لندن، موجب فروکش کردن آتش مناقشه در سال 1994 شد. حیدر علی اف بعد از امضای توافق آتش بس با ارمنستان، به تحکیم پایه های حکومت خود پرداخت. وی در نخستین گام، به قلع و قمع مخالفان داخلی دست زد. کسانی مانند ماهر جواداف (از مخالفان آتش بس با ارمنستان و فرمانده رزمندگان داوطلب قره باغ) توسط وی در یک درگیری کشته شدند. عافی الدین جلیل اف نیز به طرز مرموزی کشته شد. صورت حسین اف دستگیر و زندانی شد. ایلیچ بیگ در نخجوان در حصر خانگی و خبری قرار گرفت و یاران نزدیک وی که از کشورهای مختلف به دور او جمع شده بودند، دستگیر زندانی و یا به کشورهای مختلف رانده شدند. وی بعد از سرکوب پانترکیستهای غربگرا، به قلع و قمع اسلامگرایان پرداخت. علی اکرام علی اف رهبر حزب اسلام و از چهره های برجسته اسلامگرایان را دستگیر و به 11 سال زندان محکوم کرد. کربلایی آقا از چهره های فعال حزب اسلام در زیر شکنجه ماموران امنیتی به شهادت رسید. اموال و ساختمانهای متعلق به حزب اسلام اشغال و مصادره شد. اعضای حزب اسلام در تمام شهرها تحت تعقیب قرار گرفتند... حیدر علی اف در گامهای دیگر، رزمندگان ایرانی و افغانی را که در جبهه قره باغ میجنگیدند تحت تعقیب قرار داد و مجاهدان افغانی را که شهدایی نیز درجنگ تقدیم کرده بودند اخراج کرد. با اشاره حیدر علی اف کتابی با عنوان "جنگ بیصدا" منتشر و در سطح وسیعی توزیع شد. در این کتاب تصاویر تعدادی از رزمندگان ایرانی با مطالبی درج شده بود و رزمندگان ایرانی "جاسوس" خطاب شده بودند. علباف اختیارات بیحد و حصر به پلیس و نیروهای امنیتی داد و فضایی از رعب و وحشت به وجود آورد. از طرفی نیز با قلع و قمع عناصر جبهه خلق آرامش و امنیت برقرار کرد و بدین ترتیب کشور به طور در بست در اختیار تیم علی اف قرار گرفت. مساله قره باغ از اولویت خارج شد و پایه های حکومت علی اف تثبیت گردید. علی اف درگامهای بعدی مذاکرات فشرده با رییس جمهور ارمنستان را در دستور کار قرار داد و بارها با کوچاریان (رییس جمهور ارمنستان و تبعه سابق دولت باکو!) دیدار و گفتگو کرد. همزمان خط لوله باکو - ارمنستان، جهان را که نفت سواحل باکو را به ترکیه و اسرائیل میرساند با میلیاردها دلار سرمایه گذاری غرب دایر کرد. به گفته کارشناسان، قریب ده میلیارد سرمایه گذاری شرکتهای غربی در سواحل نفت خیز باکو و خط لوله باکو - ارمنستان؛ جبهان حاکی از آن بود که حیدر علی اف به غرب قول داده است هرگز در مساله قره باغ به جنگ متوسل نخواهد شد. حیدر علی اف میخواست مناقشه را پیش از پایان عمر خویش حل کند و بدین منظور سران احزاب و ریش سفیدان را گرد آورد تا در ازای چشم پوشی از قره باغ، سایر شهرهای اشغالی را که به منزله گروگان در دست ارمنستان است آزاد کند، اما مخالفان داخلی کوچاریان، و نیز وخامت وضعیت حیدر علی اف این شانس را از بین برد. علی اف در گذشت و فرزندش به جای وی بر قدرت تکیه زد. بدین گونه سیاستهای علی اف مناقشه قره باغ را به مناقشه ای در کما یا مناقشه ای منجمد تبدیل کرد. در حقیقت حیدر علی اف قره باغ را قربانی کرد تا حکومت خود را تثبیت کند و این کار را نیز با مهارت انجام داد.

بهترین موضع ایران:

بهترین راه برای وزارت خارجه ایران نه میانجیگری در مناقشه قره باغ، بلکه موضع گیری بر اساس «حمایت از تمامیت راضی دو همسایه» و «تشویق به صلح پایدار» است. سفر اتباع ایرانی یا اتباع سایر کشورهای جهان به قره باغ - که استقلال یا عدم استقلال یا تعلق آن به کشوری دیگر - از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده، آزاد است و مردم ایران نیز میتوانند از حق خود برای سفر به این منطقه استفاده کنند و هرگز دولت دیگری نمیتواند حق اتباع یک دولت دیگر را برای سفر به نقطه ای از جهان محدود کند. طبیعی است امروز سفر به منطقه زیبا و سرسبز قره باغ از طریق باکو میسر نیست، و مسافران این منطقه از طریق ایروان به قره باغ سفر میکنند. اگر صلح پایدار در منطقه و بین دو همسایه در حال مذاکره، برقرار شود و مسایل سیاسی نیز مانند درگیریهای نظامی گذشته حل شود، طبیعی است که در این صورت ایرانی ها و سایر اتباع جهان نیز میتوانند از باکو نیز به سمت قره باغ سفر کنند.

تجربه بیست سال گذشته نشان داده است که مناقشه قره باغ با مذاکره قابل حل نیست. و اگر بیست سال دیگر نیز بگذرد، وضعیت تغییری نخواهد کرد. قره باغ در وضعیت فعلی نیز کارکردهای خوبی برای دولت باکو دارد. الهام علی اف مانند پدرش از مساله قره باغ برای تداوم حکومت خود استفاده میکند. مقامات باکو به طور مسخره ای اعلام میکنند که کشور در وضعیت جنگ قرار دارد؟ و بدین بهانه دایره فعالیت احزاب مخالف دولت را محدودتر میکنند. دولت باکو از مساله قره باغ علیه همسایه های تاثیر گذار خود ایارن و ترکیه نیز استفاده میکند و هر گاه سیاستش اقتضا کند، رسانه های دولتی باکو به عوان سوزه ای از قره باغ علیه ایران و ترکیه استفاده میکنند و تلاش میکنند تا چهره این کشورها در نزد مردم به علت روابط با ارمنستان تخریب کنند. همچنین دولت باکو وابستگی خود به دولتهایی مانند امریکا و رژیم صهیونیستی را با موضوع قره باغ برای افکار عمومی توجیه کرده و میگوید که از کمکهای امریکا و لابی یهودی برای باز پس گرفتن قره باغ استفاده میکنند؟

امروز بعد از گذشت 22 سال از شروع مناقشه قره باغ، و 17 سال از توافق آتش بس دولت باکو نه تنها در سرنوشت قره باغ تاثیری نداشته بلکه حتی یک سانتیمتر از اراضی اشغالی حاشیه قره باغ را که در تعلق آن به جمهوری آذربایجان حتی در ارمنستان نیز تردیدی وجود ندارد نتوانسته بازپس بگیرد. چرا که در مذاکرات سیاسی ارمنستان به شرطی از این اراضی عقب نشینی میکند که تکلیف استقلال یا الحاق قره باغ به ارمنستان مشخص شود. تنها راه باقی مانده مسیر جنگ است که دولت باکو نیز فاقد اراده و یا انگیزه و توانایی برای آغاز جنگ است. اگر باکو مانند گرجستان جنگی را آغاز کند، روسیه همان بلایی را به سر باکو می آورد که گرجستان تجربه کرد. زیرساختها و حیثیت گرجستان با حمله به آبخازی از بین رفت و حکومت دست نشانده غرب نیز متزلزل شد. باکو به اردوگاه غرب پیوسته است، علیرغم اینکه با روسیه نیز روابط خوبی دارد. روسها در انتظار فرصتی هستند تا حاکمان باکو را تنبیه کنند.

در این وضعیت، بهترین موضع ایران همان مواضع ذکر شده (حمایت از تمامیت ارضی طرفین - تشویق به صلح پایدار) و هوشیاری در مساله قره باغ است که از آن علیه ایران استفاده نشود. فراموش نکنیم «طرح امریکایی گوبل» را که طبق آن قرار بود مناطقی در مرز ایران از خاک ارمنستان به دولت باکو واگذار شود و در مقابل دولت باکو از ادعاهای خود درباره قره باغ صرف نظر کرده و دالانی از لاپچین نیز در اختیار ارمنستان قرار دهد. میانجیگری ایران نمیتواند این مناقشه منجمد و پیچیده را تحرک بخشد. همانگونه که سالها میانجیگری ترکیه نیز حاصلی نداشت. علیرغم اینکه بارها مقامات باکو و ایروان را ترکها به آنکارا کشاندند در نهایت اتفاقی رخ نداد و ترکیه مساله را به خود طرفین درگیر واگذار کرد.